



روزنامه

این جلد از اینگه مورات، تهران، ۱۳۹۸ م... سایت مگنوم

فصلنامه تاریخ مردم

شماره هشتم و نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸ | ۴۵,۰۰۰ تومان

MARDOMNAMEH
A PEOPLE'S HISTORY JOURNAL
NO. 8 & 9 SPRING & SUMMER 2019

تاریخ اجتماعی تاریخ خدمتکاران خانگی در ایران (قاجاریه و پهلوی) * نیلوفر کسری | تاریخ اقتصادی جهانی که از دست داده‌ایم: چشم اندازهای کلان * فرانچسکو بولدیتزونی، ترجمه محمد جواد عبدالمهی | ادبیات و تاریخ مردم درآمد / نشست خاطره‌نگاری و تاریخ مردم با سخنرانی: احمد زیدآبادی، حسن باستانی راد و داریوش رحمانیان / طنز در آثار صادق هدایت * فرهاد دشتکی نیا / مردم ایران در آثار بهرام بیضایی * زهرا حاتمى | تاریخ هنر مردم تاریخ هنر مردم ایران در آئینه آثار پرویز تناولی (مطالعه موردی: نقش شیر) * لطف الله کارگری آریان و مرتضی افشار | تاریخ سیاسی قدرت پامی دیوکس و تأسیس پادشاهی مقدس * آنتونیو پائینیو، ترجمه وزیر منبری / علم و جنگ * محمدابراهیم محبوب | مردم‌نامه‌نویسی: نظریه و روش درآمد / نشست تاریخ نظریه‌ای / مفهومی ایران: کارنامه احمد اشرف با سخنرانی: سهیلا ترابی فارسانی، حمید احمدی، حمید عبداللهیان و داریوش رحمانیان / نمادگرایی انقلابی میشله: از هرمنوتیک تا سیاست * ادوارد ک. کاپلان، ترجمه صفورا پرومند | تاریخ در تیزو گفتگو با منصوره اتحادیه درباره تاریخ و تاریخ نگاری در ایران معاصر * محسن آزموه | وقایع اتفاقیه |



Art: Dinarcomos; BAZASA; DABASI



فصلنامه تاریخ مردم

شماره هشتم و نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول، داریوش رحمانیان / سردبیر، داریوش رحمانیان

مشاور سردبیر: محمد واشوق / دبیر تحریریه: زهرا حاتمی

هیأت تحریریه:

تورج اتابکی، پژوهشکده بین المللی تاریخ اجتماعی هلند / سید هاشم آقاچری، دانشگاه تربیت مدرس
حسین پاینده، دانشگاه علامه طباطبائی / زهرا حاتمی، دانشگاه تهران / آرزو رسولی (طالقانی)، دانشگاه شهید بهشتی
گریب سلیمانی، دانشگاه شهید بهشتی / مقصود علی صادقی، دانشگاه تربیت مدرس / نصرالله صالحی، دانشگاه فرهنگیان
محمدجواد عبداللهی، آرشیمو ملی ایران / سیمین فصیحی، دانشگاه الزهراء / عباس قدیمی قیداری، دانشگاه تبریز
جواد مرشدلو، دانشگاه تربیت مدرس / حسین مفتخری، دانشگاه خوارزمی / علیرضا ملاتی توانی، پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی / ابراهیم موسی پور، بنیاد دائره المعارف اسلامی / افسانه نجم آبادی، دانشگاه هاروارد
حسینعلی نوذری، دانشگاه آزاد اسلامی / سهراب یزدانی، دانشگاه خوارزمی

فاطمه امیری پری، تاریخ فرهنگی / حسین منوچهری، گزارش و گفتگو / لیلا طباطبائی یزدی، هنر و ادبیات
محمدجواد عبداللهی و مهدی میرزایی، تاریخ اجتماعی
مدیر اجرایی: علیرضا زمانی / مدیر هنری: پاشا دارابی / امور مشترکان: پرستورحی / ویراستار: آزاده حسنین
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: آرمانسا

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص مجله مردمانه است.

ایمیل: mardomnamehmag@gmail.com / mardomname@gmail.com

info@mardomnameh.com

صندوق پستی: ۱۷۸۴-۱۳۱۴۵

نشانی: تهران، خ مجاهدین اسلام، کوچه بهنام، تقاطع ولیعصر، شماره ۲۲، واحد ۱ کد پستی: ۱۱۵۴۸۶۳۶۱۴

تلفن و دورنگار: ۷۷۵۳۱۴۱۰ تلفن روابط عمومی و امور مشترکان: ۰۹۱۲۳۹۰۲۴۲۸



@mardomnameh



mardomnameh.com



@mardomnameh

فهرست مطالب

- تاریخ اجتماعی
تاریخ خدمتکاران خانگی در ایران (قاجاریه و پهلوی) * نیلوفر کسری ۶
- تاریخ اقتصادی
جهانی که از دست داده‌ایم: چشم اندازهای کلان * فرانجسکو بولدیتزونی، ترجمه محمد جواد عبدالهی ۱۶
- ادبیات و تاریخ مردم
درآمد؛ نشست خاطره نگاری و تاریخ مردم * حسن باستانی راد، احمد زیدآبادی و داریوش رحمانیان ۴۲
عقل کامل می‌شود از سرد و گرم روزگار * حسن باستانی راد ۴۳
تاریخ مردم در آینه متون خاطره نگارانه: از سرد و گرم روزگار * داریوش رحمانیان ۴۹
سخنرانی احمد زیدآبادی ۶۴
طنز در آثار صادق هدایت * فرهاد دشتکی نیا ۷۲
مردم ایران در آثار بهرام بیضایی * زهرا حاتمی ۸۲
- تاریخ هنر مردم
تاریخ هنر مردم ایران در آینه آثار پرویز تناولی (مطالعه موردی: نقش شیر) * لطف الله کارگری آریان، مرتضی افشار ۸۸
- تاریخ سیاسی
قدرت یابی دیوکس و تأسیس پادشاهی مقدس * آنتونیو پانائینو، ترجمه وزیر منبری ۱۰۰
علم و جنگ * محمد ابراهیم محبوب ۱۱۶

- مردم‌نامه نویسی: نظریه و روش
 درآمد؛ نشست تاریخ نظریه ای / مفهومی ایران؛ کارنامه احمد اشرف* سهیلا ترابی فارسانی، حمید احمدی، حمید عبداللهیان،
 داریوش رحمانیان ۱۳۱
- روش شناسی و مسأله شناسی طبقات اجتماعی در پژوهش های تاریخی احمد اشرف* سهیلا ترابی فارسانی ۱۳۲
- چرخش فرهنگی در نوشته های احمد اشرف* حمید احمدی ۱۳۹
- چرخش های معرفتی در آثار احمد اشرف* حمید عبداللهیان ۱۴۶
- احمد اشرف و تاریخ مفهومی / نظریه ای ایران* داریوش رحمانیان ۱۵۲
- نمادگرایی انقلابی میشله: از هرمنوتیک تا سیاست* ادوارد ک. کاپلان، ترجمه صفورا بیرومند ۱۶۶
- تاریخ در ترازو
 گفتگو با منصوره اتحادیه درباره تاریخ و تاریخ نگاری در ایران معاصر* محسن آزموه ۱۸۲
- کشکول
 تلگرام نوشته ها ۱۹۹
- وقایع اتفاقیه ۲۳۳



تاریخ خدمتکاران خانگی در ایران (قاجاریه و پهلوی)

نیلوفر کسری*

(۱۳۴۶-تهران) کسری دوره کارشناسی رشته تاریخ خود را در دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۶۷) و کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه الزهراء (۱۳۷۴) به اتمام رسانید و سپس به عنوان پژوهشگر در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر مشغول به کار شد. وی مدت سیزده سال دستیار عبدالحمین نوابی بود و با اسماعیل رضوانی و باقر عاقلی همکاری کرده است. از او کتاب‌های اسناد عبدالوهاب خان آصف‌الدوله (۱۳۷۷)، زنان ذی نفوذ عصر پهلوی (۱۳۸۷) و زنان در تاریخ معاصر ایران (۱۳۸۹) به چاپ رسیده است.



قاجاریه

کنند یا هدیه بدهند. نوع دیگر استفاده از آنها در کارهای یدی و کشاورزی و صنعتی بود که به صورت مادام‌العمر انجام می‌شد و بیشتر در جنوب ایران و بلوچستان مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. گروهی از غلامان برای مبارزات مسلحانه و جنگ‌ها تعلیم می‌دیدند و جزو سپاهیان و لشکریان مخصوص شاه می‌شدند. مردان این گروه را «غلام» و «زرخرید»، بندگان سیاه را معمولاً «کاکا سیاه» و زنان را «کنیز» یا «کنیزک» می‌خواندند.^۲

در دوران قاجاریه بندگان سیاه، معمولاً از دو طریق به ایران می‌آمده‌اند، یا حجاج ایرانی در موسم حج آنان را از بازار مکه خریداری نموده و از طریق شامات و

واژه‌هایی چون نوکر، چاکر، کلفت، و غلام که ریشه در ادبیات و زندگی ما فارسی‌زبانان داشت، برگرفته از رسی بود که تا اواخر دوران قاجاریه در شیوه زندگی مردم این مرز و بوم رایج بود و آن نوعی بهره‌گیری از نیروی کار انسان‌ها در قالب خرید و فروش آنان بود که در این منطقه از دوران باستان متداول بود. شکل رسی غلام و کنیز به صورت سنتی، همزمان با حمله مغولان به ایران به وجود آمد و اغلب از طریق به اسارت گرفتن انسان‌ها در جنگ‌ها و بهره‌کشی جنسی در حرمسراها و یا نیروی کار در منازل انجام می‌شد. بندگان یا بردگان^۲ به شکل دارایی ارباب تلقی می‌شدند و اربابان می‌توانستند آنان را خرید و فروش

معروف بودند، کمیاب شده و اکثر بردگان و غلامان محدود به سیاهان آفریقایی شدند.

بندگان سیاه در این دوره از لحاظ مرغوبیت به سه طبقه تقسیم می‌شدند:

۱. طبقه بمبسی که بسیار سیاه بودند و مشخصات ظاهری آنان چنین بود که لبان کلفت و موهای سخت داشتند. موطن آنان کنیا بود. اینان کمر بهاترین بندگان بودند. اطفال آنان خانه‌شاگرد می‌شدند و دخترانشان به لگی و خدمتکاری می‌رفتند.

۲. سیاهان معروف به سهیلی بودند که رنگشان قدری روشن‌تر و لبها نازکتر و موهایشان نرم‌تر بود. مردانشان به نوکری و زنانشان به



با روی کار آمدن خاندان قاجار و خصوصاً دوره آقامحمدخان تعداد بندگان سفید، به علت جنگ‌های قفقاز، فزونی یافت، به طوری که افزایش تعداد کنیزان گرجی در خانه اعیان به مسأله قتل گریبایدوف و مشکلات پس از آن انجامید.

عراق به ایران می‌آوردند و یا برده‌فروشان آنها را از راه خلیج فارس به سواحل جنوبی کشور انتقال می‌دادند. ورود آنان به ایران در دوران صدارت امیرکبیر، سالانه بین دو تا سه هزار نفر گزارش شده است. این بندگان به سه گروه بمبسی، توبه‌ای و حبشی تقسیم می‌شدند.^۲ علاوه بر بندگان وارداتی، بندگان داخلی نیز وجود داشته‌اند که معمولاً از خانواده‌های بلوچ و ترکمن خریده و یا دزدیده می‌شدند. پس از ورود اینان به منازل، برای بندگان مذکر نام‌هایی همچون «مبارک» و «فیروز» و یا طبق مثل مشهور «کافور» انتخاب می‌شده است و برای کنیزها، نام‌های «غنچه‌دهان»، «زعفران» و یا «صنوبر»^۳.

به پرستاران و مراقبان فرزندان ارباب، «دده» گفته می‌شد و گاه ددگان تا چندین نسل در خانواده به این شغل مشغول بودند. در جنوب ایران، بندگان عمدتاً سیاه‌پوست بودند و ایرانیان به این بنده‌ها به سبب محلی که از آن آورده شده بودند، «حاجی» می‌گفتند.^۴ در جنوب شرق ایران، بندگان کسافی بودند که یا والدینشان، به سبب فقر، آنان را می‌فروختند، یا در جنگ‌ها اسیر می‌شدند.^۵ همه اینان در عربستان و افغانستان فروخته می‌شدند.^۶

با روی کار آمدن خاندان قاجار و خصوصاً دوره آقا محمدخان تعداد بندگان سفید، به علت جنگ‌های قفقاز، فزونی یافت، به طوری که افزایش تعداد کنیزان گرجی در خانه اعیان به مسأله قتل گریبایدوف و مشکلات پس از آن انجامید.^۱ با پایان یافتن جنگ‌های منطقه قفقاز و آرام شدن این منطقه مجدداً کنیزان سفیدپوست و گرجی که به زیبایی

که خود به درد خواجگان مبتلا بودا فتحعلی شاه حرمسرای پرو پیمانی برای خود ترتیب داد، به طوری که پس از مرگ خاقان مغفور بیش از صدواندی اولاد اناث و ذکور برجای گذاشت. طبعاً تنظیم و مدیریت چنین مجموعه درهی توان بالایی می‌خواست و به دلیل مؤنث بودن این مجموعه راهی به‌جز استفاده از خواجه‌ها نبود. پای اکثر این خواجگان از این زمان به دربار و حرمسرای قاجاری باز شد.^۳

پولاک، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه، عموماً این افراد را تیره پوست می‌داند و خودش آخرین خواجه سفیدپوست را در سال ۱۲۷۸ ق. به چشم خود دیده است که از اسرای قفقازی بود. یکی از این خواجگان سفید معروف، آغا یعقوب یا میرزا یعقوب خواجه است که از ارامنه گرجستان بود و در واقعه قتل گریبایدوف، سفیر روسیه در دوران فتحعلی شاه، به علت همدستی با وی از حرم طرد شد و جان در گرو خیانت خود نهاد.^۴ نوع دیگری از برده نیز وجود داشت که خانواده‌ها به دلیل فقر مالی و عدم پرداخت مالیات یا خراج ناچار به فروش فرزندان خود می‌شدند. نمونه بارز این فروش، فروش دختران قوچانی بود که در دوران مشروطه و مجلس اول به آن اعتراضات فراوانی شد. در سال‌های اول مشروطه، والی سیستان و بلوچستان بابت مالیات‌های عقب افتاده تعداد زیادی دختر بلوچ را از رعایا می‌گیرد و در خارج و داخل ایران می‌فروشد. وقتی این خبر به مجلس رسید، وکلا هیأت دولت آن روز را برای این کار استیضاح کردند. اما کنیزهای بلوچ همان‌طور خرید و فروش می‌شدند.^۵ روزنامه‌های آن روز خیلی مطالب در آن خصوص

بیشخدمتی زنان ایرانی منصوب می‌شدند. ظاهر آنان بیشتر به بمبایی نزدیک است، ولی از بمبایی‌ها نرم‌خوتر و وفادارتر بودند. نسبت به طبقه اول قیمت بالاتری داشتند.

۳. بهترین طبقه بردگان به نام حبشی شناخته می‌شدند. پوست آنان دارچینی رنگ و لبانشان نازک و غالباً در گونه آنان آثار قرمزی هویدا و موهای آنان بلند و نرم بود. تمام خواجه‌سرایان دربار ایران از این دسته انتخاب می‌شدند.^۶

این غلامان و کنیزان از سواحل دریای سرخ و خصوصاً زنگبار یا کشتی کوچکی به نام بوگالو به خلیج فارس و سواحل ایران منتقل می‌شدند. ملوانان عرب این کار را می‌کردند و مرکز آنان مسقط بود. گاه برخی حاجیان نیز در سفر برگشت به ایران از بازار پر رونق بردگان حجاز کنیز یا غلامی به‌عنوان سوغات می‌آوردند و از آنان بهره می‌بردند.^۷

خواجگان گروهی دیگر از این بردگان بودند که در کودکی با عملی دردآور از مردانگی ساقط می‌شدند و تا آخر عمر در حرمسرای سلطان و یا اشراف به کار تنظیم امور می‌پرداختند. به غیر از آقامحمدخان قاجار



به طوری که ارباب جهت ایجاد وسایل لازم زندگی او و خانواده اش ملزم بود. همچنین وی فرزندان آنها را در کنار فرزندان خود با نام غلام خانه زاد نگهداری می کرد و بر حسب شغل خود به آنها حرفه می آموخت. به اعتقاد خارجیان که از ایران دیدن می کردند، ایران «بهشت» بردگان بود.^{۱۰}

در ضمن، چون بردگان در ایران با کسی جز صاحبانشان پیوندی نداشتند، ممکن بود به مناسبت های مختلف مانند تولد یا ازدواج یا مرگ صاحبانشان آزاد شوند. آنان به دلیل تشرف به دین اسلام و یادگیری زبان به راحتی در جامعه جذب می شدند و می توانستند در حرف و شغل هایی که تبحر داشتند، مشغول به کار شوند، اما معمولاً چون وسایل و امکانات کار نداشتند، به عنوان کارگران روزمزد به کار می پرداختند.^{۱۱}

بردگانی که با آنها بد رفتاری می شد حق شکایت داشتند و می توانستند تقاضا کنند که به دیگری فروخته شوند، اما فروش غلام و کنیز خانگی باعث کسر شان و سر افکندگی افراد بود. حتی در موارد نادری هم که صاحب برده به فروش او رضایت می داد، یافتن خریدار مشکل بود؛ زیرا کسی به خریدن برده متمرد علاقه نداشت.^{۱۲}

پهلوی

با ظهور انقلاب مشروطه نخستین تحولات در زمینه ساختار اجتماعی پدید آمد و به مسائلی چون آزادی و مساوات و برابری توجه شد. آرمان های انقلاب مشروطه در جهت گسترش عدل و عدالت، قانون خواهی و برابری و برابری یکی از عمده ترین دلایلی بود که

نوشتند و حتی علی اکبر دهخدا در این رابطه تصنیفی در ستون «چرند و پرند» نشریه صور اسرافیل چاپ کرد که خطاب به وکلای مجلس بود:

بزرگان جملگی مست غرورند، ای خدا کسی به فکر ما نیست
ز انصاف و مروت سخت دوزند، ای خدا کسی به فکر ما نیست
رعیت بی سواد و گنگ و کورند، ای خدا کسی به فکر ما نیست
هفده، هجده، نوزده، بیست، ای خدا کسی به فکر ما نیست^{۱۳}

در حرمسراها و خانه رجال هر یک از این کنیزان و غلامان در مشاغلی تعلیم می دیدند. دده ها معمولاً یا صندوقدار یا اتاقدار یا شربتدار خانه بودند. بعضی از دده ها هم درون آشپزخانه خدمت می کردند که به آنها «دده مطبخی» می گفتند. جالب است که به گفته ندیمه ناصرالدین شاه بعضی از خانها که اولادی نداشتند، یک بچه کنیز یا کنیز جوان را می خریدند و جای اولاد قبول می کردند و وقتی هم که می مردند وصیت می کردند که ارثیه کلانی به آن کنیز یا غلام برسد.^{۱۴} اما غالباً عمر این سیاهان کوتاه بود، چرا که آب و هوای ایران به خصوص مناطق شمالی به آنها نمی ساخت و آنان را که برای ابتلا به بیماری های منطقه ای چون سل، حنق و آنفولانزا مستعدتر بودند، به کار مرگ می فرستاد. کودکان آنها نیز زود علیل می شدند و کمر به سن بلوغ می رسیدند. طبق سخن بولاک، پزشک دربار، عمر مفید این بندگان و کاروانی آنها شش سال بود.^{۱۵}

شایان ذکر است که بندگان در ایران زندگی نسبتاً راحتی داشتند و در خاندان های اشراف و منازل طبقه متوسط جزئی از اعضای خانواده محسوب می شدند،

ایرانی برای تشخیص و تجمل و اظهار فضل، خدمه زیادی در منزل نگاه می‌داشتند، از این به بعد با کم کردن تعداد آنها و استفاده از خادمان روزمزد و ساعتی در همسانی با اکثریت جامعه پیشقدم شدند.^{۱۱}

خدمه از صبح زود به خانه ارباب می‌رفتند و هر یک در قسمت مورد تخصص خود چون آشپزی، بهداشت و پاکیزگی و پذیرایی از ارباب و میهمانان نشان به خدمت می‌پرداختند و شب هنگام به منازل خود باز می‌گشتند. قشری فقیرتر از این خدمتگزاران به انجام کارهای روزمره در منازل افراد متوسط می‌پرداختند و در پایان روز با دریافت مزد به خانه خود باز می‌گشتند. چنین تقسیم کاری منجر به تشکیل یک قشر خدماتی در جامعه شد که در کنار طبقه کارگر قرار می‌گرفت، اما همچنان بدون هیچ حقوق اجتماعی و قانونی بود.

گرچه پیدایش قوانین کار در ایران به دوره نهضت مشروطیت بازمی‌گشت^{۱۲} و در نخستین سال‌های نهضت مشروطیت برخی از آگاه‌ترین قشرهای طبقه کارگر نسبت به ایجاد و تشکیل اتحادیه‌های کارگری اقدام کرده بودند، اما این حرکت‌ها در سال‌های پس از نهضت مشروطیت و مجلس اول به دلیل بحران‌های داخلی معوق ماند.^{۱۳} نخستین اقدام برای ایجاد قانون کار در ایران به سال ۱۳۰۲ ش. بازمی‌گردد. در این سال والی کرمان و بلوچستان، فرمانی درباره حمایت از کارگران قالبیاف صادر کرد. در تاریخ ۱۳۰۹/۱۲/۲۷ ش. هیأت وزیران در نظام‌نامه‌ای تصویب کرد تا این حقوق برای کارگران راه‌و طرق نیز در نظر گرفته شود. طبق آن نظام‌نامه که ۱۴ ماده

می‌توافست در جامعه سنتی شهری تغییرات ایجاد کند. محدود کردن قدرت شاهان و درباریان یکی از علل عمده کم‌رنگ شدن حضور این خدمتگزاران بود. حرمسرای شاهی با آن همه خدمت‌وحشر کوچک شد و به چند خواجه و کنیز محدود گشت. شدت تغییر و تحول و دیدگاه جامعه نسبت به سبک و سیاق زندگی درباری و اشراف تا حدی بود که اشراف و متمولین شهری نیز به ناچار با توجه به این دگرگونی‌ها از میزان خدمت‌وحشر خود کاستند و با اینکه روزگاری ازدیاد کنیزان و غلامان خود را مایه تفاخر می‌دانستند، به حداقل این افراد در منازل خود بسنده کردند. چرا که دیگر کسی در جامعه به چنین تفاخراتی توجهی نمی‌کرد.^{۱۴} در آن زمان نزدیک ۹۰ درصد نیروی کار در کشاورزی و صنایع دستی اشتغال داشت و ۱۰ درصد باقی مانده به تجارت، خدمات دولتی و غیر دولتی و صنایع شهری مشغول بود.^{۱۵} بدیهی است که این نیروی جدید خدمتگزار (بندگان آزاد شده)، جذب همین بخش‌های کوچک تولیدی و خدماتی می‌شدند. در آخرین دهه حکومت قاجاریه و با ادغام تدریجی ایران در اقتصاد جهانی، تجاری شدن کشاورزی و ورود مناسبات تولید سرمایه‌داری غربی زمینه‌ای را برای شکل‌گیری طبقات اجتماعی جدید فراهم کرد. به تدریج فرزندان همان طبقات سنتی که به تحصیل به سبک جدید پرداخته بودند، سردمدار این تغییرات شدند. این تحول هرچند بعد از جنگ جهانی اول و روی کار آمدن رضاخان شدت بیشتری گرفت، سبک زندگی را دگرگون ساخت و باعث رشد طبقه متوسط شد. به طوری که اگر قبلاً ثروتمندان

سندی موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران به شماره ۴۷۰۷۲-۴۷۰۷۳ متعلق به سال ۱۳۱۶ ش. از جایگاه این خدمه می‌گوید:

۱۳۱۶/۱/۲۴ بخش‌نامه

آقای حسین سلطان

در پیرو کلفت‌نامه که چندی قبل ارسال داشتیم، اینک خاطر آقایان را به نکته دقیق که ذیل به آن اشاره می‌کنم، متوجه می‌سازم. به طوری که اخیراً مشاهده می‌شود، اغلبی از کلفت‌ها خصوصاً طهران‌ها استراق وقت کرده، از خانم‌های خودشان به قرض لوازم از قبیل بودر-هاتیک-عطر-آب بوری^{۴۱}- کفش کهنه - جوراب‌های فیل و قز پاره - دستکش‌های سوراخ شده - شانه‌های زلف - کت و دامن مستعمل ... بدست آورده و در مواقع مخصوص به وسیله آنها خودآرایی کرده و نیز در مکالمه الفاظ غیر مربوطه از قبیل مرسی، پاردن ... استعمال می‌نمایند. این است که لزوماً تذکر می‌دهد، این نوع اشخاص نالایق که صورت و سیرت اولیه خود را از دست داده‌اند و برای تظاهر متشبث به اشیاء عاریتی گردیده‌اند، به

و تبصره داشت، این صندوق پرداخت هزینه معالجه کارگران راه، تعیین مقرری برای مصدومان کار طبق جدول پیش‌بینی شده، و تعیین مقرری برای خانواده کارگرانی را که بر اثر حوادث کار فوت می‌کردند، به عهده می‌گرفت. مقررات این صندوق به سایر کارگران ساختمانی دولت و حتی مستخدمان دولت به موجب متمم بودجه ۱۳۱۱ ش. تسری یافت.

براساس آن به کارگرانی که به امور ساختمانی دولت و کارهای مشابه آن اشتغال داشتند، یا برای جبران خسارات مالی ناشی از صدمات جانی یا حوادثی که موجب از کار افتادگی موقت یا دائم می‌شدند، مبلغ حداقل ۲۰ روز و حداکثر یک سال دستمزد پرداخت می‌شد.

در ۱۳۱۲ ش. مقررات نظام‌نامه جدیدی دو مورد مستخدمان کنتراکتی و روزمزد کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی و معدنی تابع اداره کل در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۱۵ ش. اداره کل صنعت و معادن، آیین‌نامه‌ای را مشتمل بر ۹ فصل، ۶۹ ماده و ۱۱ تبصره به تصویب دولت وقت رساند. این مصوبه به حفاظت و بهداشت کار، روابط کار و تکالیف کارفرما، وظایف کارگران، بازرسی کار، ترتیب تشکیل پست‌های امدادی و صندوق احتیاط برای معالجه و پرداخت پاداش به آسیب‌دیدگان و سایر مقررات مربوط به تأمین اجتماعی پرداخته بود. این نظام‌نامه را می‌توان نخستین قانون مربوط به روابط کار در واحدهای صنعتی و خانگی دانست؛ اما تا سال ۱۳۲۴ ش. هیچ قانون حمایتی جدی برای قشر خدماتی در نظر گرفته نشده بود. اما چنان‌که از اسناد بر می‌آید در دوران پهلوی اول^{۴۲} این قشر از جایگاه برتری برخوردار شدند.





کلی از صنف کلفت خارج و مطلقاً مشمول لطیفه نهانی نیستند، چه که تعریف و تمذیح و سرودن شاه‌غزل معروف علیه‌الرحمه برای کسانی است که اصیل‌زاده‌گی خود را محفوظ و یکسره و بی‌آلایش و خالی از تعهد خیر و زندگانی می‌نمایند.

مفاد بخش‌نامه رت به عموم ابلاغ و رسید گویند. امضا

در اواخر دوره پهلوی رفاه اقتصادی همراه با سرازیر شدن پول نفت، منجر به پدیده جدید استخدام خدمتگزاران خارجی در بین قشر متمول شد که خواستار استفاده از خدمتگزاران تحصیل کرده و دوره دیده بودند و البته نوعی کسب تفاخر هم به شمار می‌آمد.

در خلال این سال‌ها این خدمتگزاران به کسب مهارت‌ها به بهترین نحو در جامعه می‌پرداختند و در بسیاری از مشاغل رتبه اول را بدست می‌آوردند. به عنوان مثال «سعید» که از مادری آفریقایی در خانه ابوالحسن دیبا ثقة‌الدوله، برادر ناتنی دکتر محمد مصدق، به دنیا آمد، به دستور ابوالحسن دیبا به اروپا فرستاده شد تا به عنوان سر آشپز تعلیم ببیند. وی بعد از بازگشت سر آشپز مخصوص خانواده دیبا شد و بعدها در هتل پارک به عنوان سر آشپز تعلیم دیده به کار مشغول گشت.^۱

وزارت کار و امور اجتماعی در کتابچه تکمیلی خود توجه بیشتری به تقسیم‌بندی مشاغل خدمتگزاران خانگی کرد و مستخدمین مؤسسات و ادارات را نیز شامل این لیست دانست. «همین طور سر فصلی خاص در مورد کارگران خدمات خانگی و خانه‌داری قرارداد.»^۲

در کتابچه‌های بعدی وزارت کار (ظرف چند سال بعد) شغل‌های خدماتی تخصصی‌تر و ریزتر شدند؛ به طوری که به انواع گوناگونی از آشپزها و پیشخدمت‌ها در رستوران‌ها، مهمان‌خانه‌ها، مراکز و سازمان‌های اداری، و همین طور نوعی شغل تشریفات که وظیفه تهیه و تنظیم این امور را داشت، تقسیم شدند. همچنین به مشاغل چون خیاطی و سلمانی (به مرد وزن و کودک) تفکیک شد.^۳

همان‌طور که ذکر شد تا ۱۳۳۴ ش. اقلای جهت به رسمیت شناختن قانونی این قشر صورت نگرفت و از این سال طبق دفترچه طبقه‌بندی مشاغل و حرف که برای تنظیم بازار کار، به منظور جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگران و استاندارد کردن مشاغل و حرف بر پایه یکسری از وظایف و اصول مشخص در وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و اجرا شد، برای اولین بار سر فصلی جداگانه برای مشاغل خدماتی در نظر گرفته شد.^۴ همچنین در گروه فرعی مشاغل شماره ۹-۱ خدمات خانگی شخصی و مربوط به آنها مرکب از رشته مشاغل گوناگون تفکیک شد.^۵ سال بعد،

در سال ۱۳۵۰ ش. در طرح طبقه‌بندی مشاغل و اجرای مرحله دوم قانون استخدام کشوری، این

خدمات دارای امتیازاتی در طبقه‌بندی‌ها شده و حقوق و مزایای شغل‌ها بر اساس امتیاز آنها تعیین شد. اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل - که البته شامل مفاد دیگری نیز بود که از مجال این بحث خارج است- در تمام کارگاه‌ها و ادارات و مراکز، حتی در خانه‌ها لازم‌الاجرا بود و اگر شخصی به دیوان عدالت اداری وزارت کار شکایتی مبنی بر نادیده گرفتن این مفاد ارائه می‌کرد، در صورت تأیید، کارفرما مجبور به پرداخت غرامت می‌شد.^{۲۵}

در اواخر دوره پهلوی رفاه اقتصادی همراه با سرازیر شدن پول نفت، منجر به پدیده جدیدی استخلاف خدمتگزاران خارجی در بین قشر متمول شد که خواستار استفاده از خدمتگزاران تحصیل کرده و دوره دیده بودند و البته نوعی کسب تفاخر هر به شمار می‌آمد. این استخلافها آن‌ها طبق درخواست رسمی و تأیید وزارت کار انجام می‌شد و به تدریج حتی سازمان‌های خدماتی ویژه‌ای برای ارائه این خدمات ایجاد شدند که تحت نظارت وزارت کار به فعالیت می‌پرداختند.

سند شماره ۱۲۷-۲-۱۲۷ الف و ۲۸-۲-۱۲۷ الف موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نمونه‌ای از این درخواست‌هاست که البته بعد از تأیید وزارت کار و بستن قرارداد به اداره اتباع بیگانه ارسال می‌شد.^{۲۶}

بدین ترتیب ایجاد جامعه مدرن، همراه با افزایش درآمد نفت و توسعه و گسترش دیوانسالاری و ایجاد وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های خصوصی و نیمه‌خصوصی همراه با گسترش آموزش عالی و تخصصی شدن فعالیت‌های اقتصادی، راه را برای

جناب آقای اسرارام محمدی
 مدیر محترم کارخانه سیمان
 سعید با سعادت
 اینجانب مدتهاست در جهت رجوع به خدمات آقایان برای انجام کارهای عملی در کارخانه اینوسی همس که با وجود برآوردات شرکتی و کارهای مربوطه برآورد بیست و یک نفره کم - نظریه کمبود افراد معادل بر سرانجام داده داری اینجانب بکنفرانسهای فنی مبنی بر آماری این خط تولید در نظر گرفته ام که مشخصات آن به شرحی که در پیوست خواهم شد است و این امر را جهت اطلاع شما به اطلاع رسانده ام و خواهشمند است اقدامات لازم را در این خصوص انجام دهید.
 با احترام
 فرست استفسار

۲۷ - ۲۹ - ۱۲۷ - الف

۱۲۷۰/۵/۴
 ۹۰۹۰۰
 جناب آقای تاسم محمدی
 مدیر محترم کارخانه سیمان
 آقایان سرکاربانانم فرست استفسار منضم به پیوست در خصوص خدماتی که در کارخانه سیمان در دسترس شماست و بخواهم خدمت شما را در این زمینه به پیوسته انجام دهم.
 خواهشمندم دستور فرمایید اقدامات لازم را در این خصوص معمول دارید. سپاسگزارم.
 مدیر کارخانه سیمان
 اسرارام محمدی

۲۸ - ۲۹ - ۱۲۷ - الف

هرچه پررنگ‌تر شدن این قشر فراهم کرد،^{۲۷} و فعالیت آنان را به صورت نهادهای معتبر درآورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در روز ۱۸ بهمن ۱۳۰۷ ش. لایحه دو فوریتی آنگاه بردگی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. ملاکرات مجلس شورای ملی، دوره هفتم تقنینیه - شماره ۲۶ جلد ۲۶.
۲. در دین اسلام همه انسان‌ها بنده خدا و از لحاظ معنوی و ملکوتی وابسته و متعلق به او هستند؛ در حالی‌که در نظام برده‌داری فرد به فرد دیگری تعلق دارد و باید خدمتگزار مولای خود باشد و خواسته‌های او را برآورده. اما دو عبودیت و بندگی اولاً انسان تحت سلطه کسی که هم‌سطح و هم‌نوع اوست، قرار نمی‌گیرد؛ زیرا مولای او کسی است که او را به وجود آورده است. او به خاطر جلب رضایت خدا خدمتگزار صاحب خود است و رفتار صاحب نیز همواره مبنی

۱۶. خاطرات تاج السلطنه، پیشین، ص ۱۵.
۱۷. باکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۱۷۴.
۱۸. خاطرات لیدی شیل، پیشین، ص ۲۴۱.
۱۹. پولاک، پیشین، ص ۲۵۱.
۲۰. پیشین، ص ۱۷۵.
۲۱. غلامحسین فراگزلو، ایران در یک قرن پیش «سفرنامه دکتر ویلر»، تهران، اقبال، ۱۳۶۸، ص ۱۰۸.
۲۲. محمد علی کانونیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، بایروس، ۱۳۷۲، ص ۱۱۳-۱۱۲.
۲۳. محمود حکیمی، همراه با سیاحان و جهانگردان و مسافران تاریخ، تهران، آرون، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۶۷.
۲۴. اصل هشتم تا بیست و پنجم متمم قانون اساسی مشروطیت ایران، ۱۳۲۵ ق.
۲۵. ایران در اوایل سال ۱۹۱۴ م. به عضویت سازمان بین المللی کار (I.L.O) در آمد، اما در سال‌های بین ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۵ ش. و در واقع با کودتای ۱۲۹۹ ش. و روی کار آمدن رضاخان جنبش‌هایی که پس از مشروطیت در میان کارگران پدید آمده بود با پاکیری دوباره نظام استبدادی دچار رکود و خاموشی شد.
۲۶. مردم نامه از عنوان «پهلوی اول» استفاده نمی‌کند.
۲۷. تاریخچه و سیر تحول حقوق کار tavana.org و سایت حقوق قانون hoghough.online.
۲۸. آب آکسیژن که باعث کم‌رنگ شدن مومی شد.
۲۹. از مجموعه خصوصی خاندان دیبا - این تصویر را آقای پدram خسروزیاد در اینترنت معرفی کرده‌اند و تصویری از یک کارگاه در اواخر قاجار که کودکی سیاه‌پوست به ریسندگی مشغول است.
۳۰. کتابچه داخلی وزارت کار و امور اجتماعی- طبقه‌بندی مشاغل و حرف برای تنظیم امور بازار کار، تهران، ۲۴ اسفند ۱۳۳۴ ش.، ص ۳۶۳.
۳۱. پیشین، ص ۳۶۸.
۳۲. کتابچه داخلی وزارت کار و امور اجتماعی- طبقه‌بندی مشاغل و حرف برای تنظیم امور بازار کار، تهران، ۲۴ اسفند ۱۳۳۵ ش.، ص ۳۶۹.
۳۳. پیشین، ص ۳۷۰.
۳۴. پیشین.
۳۵. گزارشی درباره تهبه طرح طبقه‌بندی مشاغل و اجرای مرحله دوم قانون استخدام کشوری اسفند ۱۳۵۰ ش.، وزارت کار و امور اجتماعی، ص ۳۷۲ و گزارش اقدامات سالانه اداره کل طبقه‌بندی ارزشیابی مشاغل در اسفند ۱۳۵۰ ش.، وزارت کار و امور اجتماعی، صص ۳۲-۳۳.
۳۶. سند شماره ۱-۲۶-۱۲۷ موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳۷. جهت اطلاعات بیشتر به یرواند آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، ترجمه ابراهیم فناحی، تهران، نی، ۱۳۸۹، فصل پنجم مراجعه کنید.
- بر اعتقادات دینی است و رعایت حال بنده و فرزندان و خانواده او را دارد و او از همان ابتدا برده را به عنوان بخشی از خانواده بزرگ خود قبول می‌کند و وظایفی در قبال او و فرزندانش دارد (سایت آیت‌الله جوادی آملی، حق تکلیف در اسلام، ص ۱۱۹-۱۲۲ برگرفته از دایرةالمعارف طهپور).
۳. در فرهنگ معین، جلد سوم، ص ۳۱۰ (kolfat) به معنی سختی، زنج، مشقت و در معنی دوم زن خدمتکار و خادمه و مجموع کسانی که تحت تکفل شخصی هستند، آورده شده است. همین معنی در لغت نامه دهخدا و فرهنگ نفیسی به کار رفته است.
۴. محمدعلی سدیدالسلطنه. سرزمین‌های شمالی و پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صدسال پیش، تهران، جهان معاصر، ۱۳۷۱، ص ۱۴۹.
۵. جهت آشنایی با این اسامی می‌توان به کتاب‌های شاهزاده عضدالدوله، تاریخ عضدی، با توضیحات و اضافات عبدالحسین نوایی، تهران، علم، ۱۳۷۶، صص ۴۱ و ۴۲ و ۷۶ و خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، صص ۱۵ و ۱۷ و ۲۱ و ۵۲ مراجعه کرد.
۶. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، تهران، ۱۳۶۰، ص ۲۱۱.
۷. حملات عشایری (چپو)، بورش‌های خاص ایلات و جنگ‌های قبیله‌ای یکی از موارد برای گرفتن برده و کنیز به حساب می‌رفت.
۸. چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار، ترجمه بعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۶۲، ص ۱۲۶.
۹. تاریخ عضدی، پیشین، ص ۲۸.
۱۰. مری لئونورا ولف شیل، خاطرات لیدی شیل - همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲، ص ۲۴۳.
۱۱. پیشین، ص ۲۱۳.
۱۲. تاریخ عضدی، پیشین و دوستعلی خان معیرالممالک، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۵۱، صص ۲۲-۲۰.
۱۳. آغایه‌مقرب به واسطه اختلافاتی که در حرم‌سرا پیدا کرده بود، صورتی از زنان گرجی تهیه کرد و به گریبایدوف داد. از جمله اسامی دو نفر از زنان ارمنی که در خانه‌الیه‌باخان آصف‌الدوله بودند. این امر خشم مردم را برانگیخت و او را به جرم این خیانت بر در سفارت کشتند. خان ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، تهران، هدایت، ۱۳۵۴، صص ۸-۹.
۱۴. افسانه نجم آبادی، حکایت دختران قوچان - از یاد رفته‌های مشروطه، تهران، روشنگران، ۱۳۷۴؛ وزارت خارجه انگلستان، کتاب آبی، گزارش‌های مجرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه، تهران، نو، ۱۳۶۳، ص ۱۱۰ و گلزار خاموش، یادنامه بانو راضیه دانشیان (گلبل) همراه با ماقلاهی درباره زنان، تهران، رسانش، ۱۳۷۹، ص ۲۰.
۱۵. نشریه صوراسرافیل، پنج شنبه ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۵ ق.، ص ۳۴-۳۳، اول، ص ۴، ج ۸؛ و نجم آبادی، پیشین، ص ۳۳-۳۴.